



۱۳

ثبت‌نام الکترونیکی»، عامل پنجم هم اطاله در فرآیند کارشناسی است با این راهبرد‌های مطرح شده «استانداردسازی فرآیند ارجاع و اخذ نظرات کارشناسی و تعیین محدودیت برای تعداد دفعات اعتراض اصحاب دعوا به نظرات کارشناسی»، چالش بعدی دستگاه قضایی در این بخش «اجرای ناقص و دیرنگام برخی از احکام» است که اولین عامل آن طولانی بودن فرآیند شناسایی دارایی و اموال محکومان» قید شده و برای رفع آن این راهبرد پیشنهاد شده: «کاهش مداخلات انسانی در شناسایی دارایی و اموال محکومان» عامل دوم منواری بودن برخی از اعسار از محکوم‌به» هم عامل دیگر این چالش برشمرده شده که برای آن راهبرد «افزایش تبعات ادعای غیرواقعی اعسار از محکوم‌به» پیشنهاد شده است.

■ مأموریت دوم: احیای حقوق عامه، گسترش عدل و آزادی‌های مشروع

مأموریت دیگر تعبیه شده برای مسئولان قضایی در این سند، «احیای حقوق عامه، گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» است که اولین چالش در این بخش «فراوانی مصادیق تضییع حقوق عامه» ذکر شده است. اولین عامل بروز این چالش هم «تشتت نظرات و رویه‌ها در حقوق عامه» است که برای رفع آن راهبرد «تجمیع ظرفیت‌ها و تقویت تعامل و

رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران و حمایت از نقد‌های سازنده و منصفانه»، عامل دیگر«تضییع حقوق برخی از متهمان» است با راهبرد‌های مطرح شده به این شرح «پیشگیری از تخلف ضابطان، تسهیل پذیرش وثایق و کفالت‌ها، پیشگیری از صدور قرارهای غیرضروری یا نامتناسب، استانداردسازی و توسعه فضاهای بازداشتگاهی با استفاده از ظرفیت‌های جدید و پیشگیری از وقوع تخلفات مأموران بازداشتگاه‌ها و تحت نظرگاه‌ها»، کم توجهی به اجرای قانون جرم سیاسی هم یکی دیگر از عوامل بروز چالش در این بخش یاد شده با راهبرد پیشنهادی «ایجاد رویه واحد رسیدگی به جرایم سیاسی»، سومین چالش در احیای حقوق عامه «ناکافی بودن اقدامات انجام شده در امور حبسیه» است که «تضییع حقوق برخی از اطفال و نوجوانان در وضعیت مخاطره آمیز» عامل بروز آن یاد شده با ۳ راهکار زیر«تقویت شناسایی و حمایت از اطفال و نوجوانان در معرض خطر، توسعه ظرفیت‌های حمایتی از اطفال و نوجوانان بدسرپرست و بی‌سرپرست و افزایش تبعات رهاسازی فرزندان»، کثرت مصادیق تضییع حقوق ایران و ایرانیان در عرصه بین‌المللی هم چالش دیگر در این بخش است که یک عامل آن مواجهه نامتناسب با مصادیق تضییع حقوق ایران در عرصه بین‌المللی با راهبرد پیشنهادی تجمیع و هدایت هدفمند ظرفیت‌ها برای استیفای حقوق ایران در عرصه بین‌المللی است وعامل دیگر آن دشواری دسترسی برخی از ایرانیان خارج از کشور به خدمات حقوقی است با این راهکار مطرح شده «ارائه مجازی خدمات حقوقی به ایرانیان خارج از کشور»، تخریب چهره ایران در حوزه حقوق بشر و ترویج اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی توسط کشورهای نظام سلطه هم عامل دیگر بروز این چالش است با دو راهبرد مطرح شده: «تبیین ناکافی دستاوردهای حقوق بشری اسلام و ایران در عرصه بین‌المللی و اتخاذ رویکرد تهاجمی در مواجهه با مدعیان دروین حقوق بشر».

■ مأموریت سوم: نظارت بر اجرای صحیح قوانین و حسن جریان امور

نظارت بر اجرای صحیح قوانین و حسن جریان امور مأموریت دیگر تعبیه شده در سند تحول است که اولین چالش موجود در آن «اجرای ناقص برخی از قوانین مرتبط با دستگاه‌های موضوع قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور» یاد شده است. ضمانت ناکافی اجرای صحیح قوانین هم اولین عامل بروز این چالش است که دو راهبرد پیشنهاد شده «ارتقای شفافیت عملکرد دستگاه‌ها در اجرای قوانین» و «توسعه مشارکت مردم در اعلام جرم نسبت به تضییع حقوق عامه»، تعیین سلیقه‌ای برخی از آزادی‌های مشروع هم چالش دیگر در این بخش است با عوامل متعدد بروز از جمله «ضمانت ناکافی صیانت از آزادی‌های مشروع» که برای آن راهبرد «افزایش تبعات تحدید آزادی‌های مشروع» مطرح شده است. دومین عامل «تفسیرپذیری قواعد حاکم بر برگزاری تجمعات» است با راهبرد «شفاف‌سازی ضوابط برگزاری تجمعات»، عامل سوم «حمایت ناکافی از آزادی مطبوعات» است با دو راهبرد پیشنهادی «ایجاد رویه واحد رسیدگی به تخلفات

دومین عامل سازوکارهای انگیزشی کم‌اثر برای انجام بهینه وظایف بازرسان است با این راهبرد «استقرار نظام ارزیابی عملکرد نتیجه‌گرا برای بازرسان و تسهیل فرآیند صدور مجوزهای بازرسی و دسترسی بازرسان به اطلاعات».

کم‌توجهی به بهره‌مندی از سایر ظرفیت‌های نظارتی هم عامل سوم فرض شده با راهبرد پیشنهادی «استفاده از ظرفیت‌های مردمی برای نظارت».

سومین چالش در این بخش هم استفاده غیربهبینه از توان نظارتی بر دادسراها و دادگاه‌ها است که عامل آن اکتفا به روش‌های سنتی نظارت است و برای رفع آن دو راهبرد مطرح شده «هوشمندسازی فرآیند نظارت بر دادسراها و دادگاه‌ها و استقرار نظام ارزیابی عملکردقضات».

■ مأموریت چهارم: کشف جرم، تعقیب و مجازات مجرمین

«کشف جرم، تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام» هم مأموریت دیگر مهم سند تحول قضایی است که اولین چالش آن دشواری کشف جرایم» است و اولین عامل بروز آن هم استفاده غیربهبینه از توان کشف جرم قلمداد شده است. ۳۰ راهبرد برای این بخش مطرح شده است: «انجام تخصصی کشف جرم و تحصیل مشروح ادله، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در فرآیند کشف جرم و هوشمندسازی آن و تسهیل فرآیند صدور مجوزها و دسترسی ضابطان به اطلاعات»، دومین عامل هم بی‌توجهی به بهره‌مندی از سایر ظرفیت‌های کشف جرم است با این راهبرد پیشنهادی: «استفاده از ظرفیت‌های مردمی برای کشف جرم»، ضعف در کیفیت اجرای احکام کیفری هم چالش دیگر در این بخش است که عامل آن «ضمانت اجرای ناکافی قوانین و مقررات حاکم بر اجرای احکام کیفری» است با دو راهبرد مطرح شده برای رفع آن «اعمال هوشمند، شفاف و برخط اجرای آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های مرتبط با حقوق محکومان و پیشگیری از وقوع تخلفات مأموران اجرای احکام کیفری».

■ مأموریت پنجم: پیشگیری از وقوع جرایم و دعوی

«پیشگیری از وقوع جرایم و دعاوی» هم مأموریت مهم دیگر دستگاه قضایی است که اولین چالش موجود در این بخش «تزلزل در روابط حقوقی اشخاص» است. اولین عامل بروز این چالش هم «کمبود سازوکارهای پیشگیری از بروز اختلاف در معامله» قید شده با ۳ راهبرد مطرح شده برای رفع آن «ایجاد تقارن اطلاعاتی برای طرفین معامله، احراز و اعمال هوشمند شروط قراردادی و تقویت کیفیت خدمات دفاتر اسناد رسمی»، دشواری دسترسی عمومی به خدمات حقوقی دومین عامل بروز این چالش است با راهبرد پیشنهادی «تسهیل و تقویت خدمات حقوقی»، چالش بعدی ضعف در حذف عوامل اصلی شکل‌گیری جرایم و دعاوی است که اولین عامل آن عدم شناسایی کامل عوامل اصلی شکل‌گیری جرایم و دعاوی قید شده و برای رفع آن هم راهبرد «هوشمندسازی فرآیند شناسایی عوامل اصلی شکل‌گیری جرایم و دعاوی» پیشنهاد شده است. دومین عامل، اقدامات پراکنده و کم‌توجهی به ظرفیت‌های درونی و بیرونی قوه قضائیه برای حذف عوامل اصلی شکل‌گیری جرایم و دعاوی است با این راهبرد پیشنهادی «انجام بخشی و هدایت هدفمند تمامی ظرفیت‌ها برای حذف عوامل

اصلی شکل‌گیری جرایم و دعاوی». پایین بودن تبعات ارتکاب جرم هم چالش دیگر در این بخش است که عامل آن عدم کفایت بازاندگی مجازات‌ها است و دو راهبرد برای رفع آن مطرح شده است «مؤثر و متنوع کردن مجازات‌ها متناسب با نوع جرایم و تقویت باور عمومی نسبت به بالا بودن توان کشف جرم و برخورد قاطع و سریع با مجرمان».

■ مأموریت ششم: اصلاح مجرمان

اصلاح مجرمان مأموریت ششم قوه قضائیه است که چالش نخست آن صدور برخی تصمیمات قضایی غیرمؤثر بر آن معرفی شده است. راهکاری که برای حل این چالش شناخته شده تکمیل پرونده شخصیت متهمان با استفاده از فراهم‌سازی دسترسی برخط به پایگاه‌های اطلاعاتی مراجع حاکمیتی، فناوری‌های نوین تشخیص شخصیت، آزمون‌های شخصیت‌شناسی برخط و همچنین طراحی و پیگیری اعمال شیوه‌های ترمیمی در دادرسی و استفاده اثربخش از نهادهای ارفاقی است. چالش دوم این مأموریت اثربخشی محدود اقدامات اصلاحی در زندان شناخته شده که به دلیل نامتناسب بودن برخی برنامه‌های اصلاح و تربیت در زندان با فرآیند اصلاح مجرمان است. اصلاح رفتار و بازاجتماعی کردن مجرمان با طراحی برنامه‌های اصلاح و تربیت مبتنی بر آموزه‌های دینی و فراهم‌سازی امکان ارتقای کیفیت زندگی در زندان و بازطراحی و اجرای طرح طبقه‌بندی زندانیان مبتنی بر منشا جرم و شخصیت زندانیان از طریق تکمیل پرونده شخصیت زندانیان، اصلاح، بهینه‌سازی و بازهمندی معماری فضاهای زندان، استقرار نظام مالی جدید برای زندانیان در زندان، بازنگری در نظام حرفه‌آموزی و اشتغال زندانیان تعیین شده است. چالش سوم عدم حمایت مؤثر از محکومان پس از اتمام دوره حبس است که راهکارهایی همچون ارائه آموزش‌های لازم به زندانیان در شرف آزادی، توسعه ارتباط با خانواده زندانیان، شناسایی موانع اصلی فعالیت سالم آنها در جامعه، پیگیری تعیین حامی برای اشتغال به شغل یا شرایط اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی آنها، جلب مشارکت بخش خصوصی، نهادهای مردمی و خیرین پیشنهاد شده است.

■ مأموریت هفتم: حمایت از حقوق مالکیت اشخاص

مأموریت هفتم دستگاه قضا حمایت از حقوق مالکیت اشخاص است که چالش اول آن تزلزل مالکیت اموال غیرمنقول اعلام شد. تسهیل فرآیند ثبت رسمی معاملات املاک با استانداردهای قراردادهای در«سامانه ثبت آنی» و ایجاد دسترسی مشاوران املاک و عموم مردم به این سامانه برای انعقاد قرارداد، عدم ارائه ضمانت قضایی ثبتی به دعاوی مرتبط با اعمال حقوقی ثبت‌نشده در دفاتر املاک الکترونیک با تعیین موعد مقرر از پیش اعلام شده و همچنین جبران خسارت متضرران ناشی از خطا در عملیات ثبتی املاک با فراهم‌سازی زمینه تشکیل «صندوق جبران خسارات» توسط دفاتر اسناد رسمی با اصلاح قوانین و مقررات مرتبط به عنوان راهکارهای آن اعلام شده است.

■ برای کلیت نظام سیاسی و بیشتر از حد دستگاه قضایی داشته‌باشد؟

بله، سمت دیگر قضیه هم این است. اینکه اگر این سند به نحو شایسته و مطلوبی اجرا شود و تأثیرات قدم به قدم اجرای آن در جامعه به صورت ملموس احساس شود یک آورده اجتماعی برای کل حاکمیت و جامعه به همراه خواهد داشت. به عبارتی ایجاد تغییرات ملموس و مثبت در دستگاه قضایی نه فقط برای خود این مجموعه بلکه برای کل نظام سیاسی اعتمادآفرین است. از این منظر با توجه به هدف‌گذاری این سند و سر فصل‌های درست و مناسبی که برای آن تدوین شده، کل نظام فراهم‌سازی زندگانی اجتماعی و حاکمیت از آن اجرایی مطلوب این سند سود خواهند برد و منتفع خواهند شد. مسلماً این مساله صرفاً در حوزه سیاسی است و اگر نگاهی اجتماعی به آن داشته باشیم، سود و نفع عمومی جامعه است که دارای اهمیت می‌باشد و افزایش اعتماد عمومی که مورد اشاره قرار گرفت، خود ناشی از منتفع شدن کل جامعه از اجرای این امر است. یکی از آسیب‌های بسیار جدی و روشن سالیان اخیر در کشور ما، ایجاد رقابت‌های بین قوای در سطح حاکمیت است که برای رسیدن به نقطه بهینه برای سند تحول قضایی یک ضرورت مهم و اساسی، گذشت و عبور کردن از این حالت و رسیدن به مرتبه‌ای جدید است که قوا و اجزای مختلف حاکمیت یک درک نسبتاً مشترک و عملیاتی از مسأله انتفاع عمومی داشته باشند و این دید به سند یاد شده نگاه کنند. بنابراین از این منظر به نظر من این سند تحول می‌تواند فراتر از چشم‌انداز قضایی که ایجاد می‌کند، بهانه‌ای باشد برای یک همگرایی حاکمیتی در مسیر منتفع‌کردن عمومی جامعه.

برخوردار است. اجرای برنامه‌ها برای حفظ حقوق عمومی، بیت‌المال و جلوگیری از فساد از آمال و آرزوهای مردم و برنامه‌های قدیمی مسئولان در ادوار مختلف بوده‌هست. بنابراین این جنبه‌های مثبت که بارها درخصوص آن صحبت شده به صورت یک پکیج و بسته کامل در این برنامه‌ها دیده شده است. آنچه به عنوان یک شهروند می‌توانم در این سند مورد توجه قرار دهم این است که اگر مفاد این سند با بسترسازی جنبه اجرایی پیدا کند، قطعاً بخش عمده‌ای از مشکلات کشور حل خواهد شد و فساد تقلیل خواهد یافت، چالاک‌ی و چابکی در سیستم قضایی برای جلوگیری از اطاله دادرسی محقق خواهد شد، بازآموزی قضات، تقویت بنیه اداری نظام قضایی و افزایش توان مدیریتی در این قوه بسیاری از نیازهای جامعه در این بخش را مرتفع خواهد کرد. اما توجه کنیم که هر برنامه‌ای در این کشور باید متناسب با ظرفیت و قابلیت‌فرهنگی و اقتصادی جامعه‌باشد در غیر این صورت نه تنها ایجاد توقع می‌شود و اگر اجرا نشود باعث نارضایتی خواهد شد، بلکه اعتماد مردم را به این گونه شعارها تقلیل خواهد داد. در نتیجه با لحاظ مدت کمی که مدیران این نهادها زمان خواهند داشت، در حالی که برنامه‌های پیشنهادی و مصرح در این سند تحول نیاز به صرف زمان زیادی دارد، سرزنش مدیران بعدی رانیز به دنبال دارد. همانند آنچه که در گذشته به طور مکرر شاهد بودیم، چنین وضعیتی این خطر را دارد که این ذهنیت را در بین اقشار مختلف ایجاد کند که اشتیاق به رفع مشکلات موجب خوش‌بینی در پیش‌بینی برنامه‌ها شده که اگر اجرا نشود موج جدیدی از بی‌اعتمادی و نارضایتی رami تواند همراه داشته باشد.

■ شمایه الزامات و ضرورت‌های مورد نیاز برای محقق‌شدن سند تحول قضایی اشاره کرد. بارغ از این بحث به نظر نان نکات مثبت خود این سند چیست و چه موارد امیدوارکننده‌ای در محتوای آن وجود دارد؟

این سند که برحسب اظهارنظر آقای رئیسی با جلب نظر متخصصین تهیه شده است در صورتی که برای افزایش امکانات مالی و سازمانی فراهم شود و قوانین لازم جهت اجرای پیام‌های آن به تصویب مجلس برسد و در اجرای آن هماهنگی بین سه قوه به دست آید مسلماً در حصول به اهداف عدالت قضایی گام‌های مؤثری می‌تواند بردارد. مفاد این سند به‌گونه‌ای در شعارهای مدیران در ادوار مختلف بارها مورد توجه بوده. از جمله بحث حقوق عامه که در زمان آقای آملی لاریجانی در جریان دوره‌های منتهی به این سند تحول نیاز به صرف زمان زیادی دارد، سرزنش مدیران بعدی رانیز به دنبال دارد. همانند آنچه که در گذشته به طور مکرر شاهد بودیم، چنین وضعیتی این خطر را دارد که این ذهنیت را در بین اقشار مختلف ایجاد کند که اشتیاق به رفع مشکلات موجب خوش‌بینی در پیش‌بینی برنامه‌ها شده که اگر اجرا نشود موج جدیدی از بی‌اعتمادی و نارضایتی رami تواند همراه داشته باشد.

■ باین نگاه آیا توان گفت که اجرای این سند به شکل مطلوب می‌تواند یک سرمایه اجتماعی

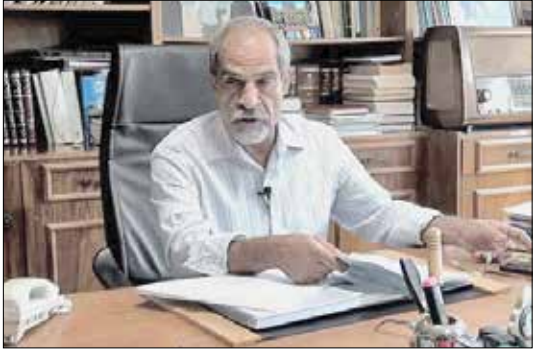
نعمت احمدی وکیل دادگستری در گفت‌وگو با «ایران»:

سند تحول قضایی تبدیل به قانون شود

«ابلاغ سند تحول قضایی در در دادگستری را تشخیص داد». نعمت احمدی حقوقدان و وکیل دادگستری با این جمله جدیدترین ابلاغ رئیس قوه قضائیه را کاری قابل توجه می‌داند و معتقد است که آیت‌الله رئیسی توانسته با تشکیل یک مجموعه کارشناسی با مشکلات موجود به خوبی آشناده و در مسیر حل آن گام بردارد. این وکیل دادگستری اما لازمه اجرایی شدن این سند را با توجه به آنچه در سنوات قبل در دستگاه قضایی گذشته، تبدیل آن به قانون می‌داند. اومی گوید که بهتر است رئیس قوه قضائیه همین سند را به لایحه تبدیل کرده و تقدیم مجلس کند تا قضاات دادگستری هم اجرای آن را تکلیف خود بدانند. منت گفت‌وگوی نعمت احمدی با روزنامه ایران را در ادامه می‌خوانید:

■ سند تحول قضایی چندی پیش از سوی رئیس قوه قضائیه ابلاغ شد. این سند از چند منظر برای شما به عنوان وکیل دادگستری قابل توجه بوده و اساساً تدوین آن چه لزومی داشته است؟

من به این سند از دو منظر نگاه می‌کنم. نخست از نظر شکلی و دوم از جهت ماهوی. بهترین وجه سند تحول قضایی این است که عده‌ای نشستند و اشکالات موجود در قوه قضائیه را یافتند. این اتفاق خیلی مهمی است که در دوره جدید ریاست این قوه رخ داده است. یعنی یک مجموعه کارشناسی دور هم جمع شدند و ایرادات و اشکالات یک نهاد را با ذکر موارد استخراج کرده و در اختیار مسئول آن قرار دادند تا معایب زیرمجموعه را در نظر بگیرد و برای رفع آن اقدام کند. دستگاه قضایی قوه مستقلی است که با جان و مال و ناموس مردم سر و کار دارد. هر سستی و یا هر رفتگی که در آن اتفاق بیفتد به زندگی تکتک مردم بازمی‌گردد. مردم به صورت اجتماعی زندگی



۱۴

می‌کنند و معاهدات و قرار داده‌ها و توافقاتی باهم دارند. دلگرمی شان به این است که اگر در مسیر قرارداد و توافق، یکی از طرفین به تعهد خود عمل نکرد بتوانند به مرجعی که تصمیمات آن دارای ضمانت اجرا است رجوع کنند. مثالی برای شما می‌آورم: پادشاه آلمان قرار بود که قصر خود را گسترش دهد. اما مجموعه کناری آن متعلق به پیرمردی بود که اگر با گذاری بنای خود موافقت می‌کرد، قصر پادشاه بسیار شکیل می‌شد. همه به او مراجعه می‌کردند اما صاحب آن ملک با واگذاری آن موافقت نمی‌کرد. البته خود پادشاه نیز آمد و پیرمرد گفت ملک خودم است و نمی‌فروشم. پادشاه از او پرسید که آیا می‌دانی که من چه کسی هستم؟ پیرمرد گفت هر کسی باشی، مگر نمی‌دانی که در برلن قاضی مستقل است و نمی‌گذارد که ملک را از من بگیرد. حالا این یک استعاره است. ما در تاریخ خودمان هم داریم که انوشیروان وقتی ایوان مدائن را برپا کرد، کج بود. سفیر روم از او پرسید که چرا کج است، گفتند ملک کناری برای پیروزی بود که راضی به فروش آن نشد و این جمله معروف را گفت که این کجی از صدا تا راستی ارزش و اعتبار بیشتری دارد. ما هم وقتی بدانیم جایی قاضی است و به توافقات و قراردادهای بین‌الطرفین در تطبیق با قانون عمل می‌کند آدم به راحتی زندگی اجتماعی خود را پیش می‌برد. اینکه عده‌ای بنشینند و عیب‌ها و اشکالات زیرمجموعه قضایی را در چند فصل و ماده و تبصره بیاورند و با یک مقدمه زیبایی که معلوم است دقت زیادی هم در تدوین آن شده، آن را تکمیل کنند و به رئیس قوه قضائیه ارائه دهند بسیار راضی کننده است.

■ جقدر این سند را همچون سایر اسناد و بخشنامه‌هایی که پیش از این در نهادهای مختلف تدوین شده‌می‌دانید؟ آیا از نظر اجرایی لازم‌برخوردار هستند؟

این سند دقیقاً مانند منشور حقوق شهروندی بود که در دولت آقای روحانی نوشته شد. از من پرسیدند که آیا موافق چنین منشوری هستی یا مخالف، که در پاسخ گفتم اینکه رئیس قوه مجریه بداند که در حوزه انجام وظایف خود چه اشکالاتی وجود دارد بسیار ارزشمند است. در مورد قوه قضائیه هم همین اتفاق افتاده است. در این حوزه پیش از این فرمان ۸ ماده‌ای حضرت امام را داشته‌ایم. مقام معظم رهبری هم فرمانی مشابه همین را دارند. در زمان ریاست آیت‌الله شاهرودی بر دستگاه قضایی هم یک مجلس شناسنامه‌ای از سوی ایشان با نام حقوق شهروندی صادر شد که مصادف با فعالیت مجلس ششم هستیم. من عین این بخشنامه را تائید می‌کنم. عین متن بخشنامه، قانون شد. شما آن متن را بخوانید این سند کاملاً شبیه آن است. اما سرنوشت آن چه شد؟ امیدوارم که این سند به همان سرنوشت دچار نشود. البته این را باید قبول کنیم که قوه قضائیه کاملاً با دیگر قوا متفاوت است. قوه مقننه و یا مجریه نیست که بشود آن را با دستورالعمل و بخشنامه اداره کرد.

■ نظر شما چیرزی شبیه همان قانونی است که در خصوص حقوق شهروندی در دوره آیت‌الله خامنه‌ی شاهرودی تصویب شده؟ یعنی این سند نیز باید راه قانونی شدن را در پیش بگیرد؟

ما اصول متعدد قانون اساسی در باب قوه قضائیه داریم. اصل ۱۶۷ می‌گوید «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی با فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه، از رسیدگی به دعوا صدور حکم امتناع ورزد». بنابراین در امور حقوقی قاضی باید حکم هر موضوع را بیابد کند و اگر از این طریق این صا ر نکند، مستنکف از احقاق حق شناخته شده که نتیجه آن تعلیق قضاات خواهد شد. لذا قوه قضائیه برای انجام امور خود و از جمله اجرای این سند نیاز به وضع قانون دارد. اکنون که شناخت اشکالات و ایرادات و معایب انجام شده نوبت به قانونی شدن این سند است. بنابه اصل ۱۵۶ قانون اساسی تهیه لایوح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی هم جزو وظایف رئیس قوه قضائیه است. الان با تفسیری هم که شورای نگهبان ارائه کرده لایوح قضایی را باید مستقیماً به مجلس تقدیم کند. یعنی نمی‌تواند به هیأت دولت بدهد تا از این طریق به مجلس برود. آیت‌الله رئیسی به خوبی پذیرفته‌اند که نواقصی در دستگاه قضایی وجود دارد و سند تحول قضایی را هم ابلاغ کرده‌اند. ایشان بارها گفته‌اند که اگر یک رویه ناصوابی در گذشته متداول شده باید جلوی آن گرفته شود. پس می‌توان این انتظار را از ریاست قوه داشت که بخشی از اصولی را که در این سند آمده و در مورد آن هم راهکار ارائه و تأکید کرده که تغییرات و اصلاحاتی در قوه قضائیه صورت بگیرد در شکل قانون در بیاوریم.

■ پس در کلیات سند تحول از نظر شما ایرادی وجود ندارد و تنها موضوع قانونی شدن آن است... سند تحول در در دادگستری کشف کرده اما برای این که بهتر است که مسیر قانونگذاری را انتخاب کند. رئیس قوه قضائیه فرزند دادگستری است، یعنی رشد و ترقی ایشان در همین دستگاه قضایی بوده و تمام منافذ آن را به خوبی می‌شناسند. هیچ‌کس مانند ایشان آینه انعکاس در نیست. همه مسائل و مشکلات و ارائه دهنده راهکارهایی جهت بهبود عملکرد قوه قضائیه هستند. به عنوان یک حقوقدان از ایشان درخواست دارم که در راستای همین سند تحول از یک مجموعه‌ای هم چه در داخل دستگاه قضایی و چه در بیرون آن کمک بگیرند تا از تشتت قوانین مختلف رهایی پیدا کنیم. آقای رئیسی اراده لازم را برای ایجاد تحول دارند و به همین دلیل هم متن سند تحول را روی کاغذ آورده‌اند. اما انجام آن یک بخشنامه و سند سخت است. من اصلاً مخالف سند نیستم. اتفاقاً معتقدم که این سند نوری بر تاریکخانه اشکالات تابانده است.

■ در همین سند در مورد آزادی‌های مشروع و احیای حقوق عامه... تأکید شده است. آیا می‌تواند اعتماد عمومی را به خود جلب کند؟

ببینید ما قانون خوب داریم، سند تحول خوب داریم، بخشنامه خوب هم داریم، اما اراده‌ای برای اجرای آن نداریم. این سند که البته با قانونی کردن آن میسر است، قطعاً به این هدف هم خواهیم رسید.